

Research Paper

Research Proposals Regarding the Challenge in the Qur'an

Kazem Ostad^{*1}¹ M. A. in Quran and Hadith Sciences, Islamic Studies Researcher, Manuscript Researcher.

10.22080/qhs.2025.28562.1182

Received:

May 11, 2024

Accepted:

June 29, 2024

Available online:

March 10, 2025

Extended Abstract

1. Introduction

At first glance, the issue of the miraculous nature of the Holy Qur'an and its challenge appears distinct. However, they are deeply interconnected and can be explored in multiple contexts. In this regard, some Islamic scholars have identified six verses of the Qur'an related to its challenge. Whether these six verses are viewed as merely exegetical or purely theological, it is crucial to thoroughly elaborate on the surrounding issues of the Qur'an's challenge and rivalry to enable scholars and researchers to better analyze and illuminate this discussion. Therefore, it is essen-

tial to examine these issues: From what aspects and approaches can the topic of challenge be considered and reflected upon? What are the "influential presuppositions in contemplating the issues of challenge?" What does the "quantitative and qualitative analysis of the challenge of the Qur'an" entail? Are there "general constraints regarding the issues of challenge" that we encounter, and what could they include?

2. Methods

The present study followed a descriptive-analytical method and inductive strategy to present some key topics and approaches concerning the issue of "research proposals regarding the challenge

^{*}Corresponding Author: Kazem Ostad

Address: Islamic Studies Researcher, Manuscript Researcher.

Email kazemostadi@gmail.com :

in the Qur'an." These subjects require reflection and discussion with researchers.

3. Results

This paper is the first written work that attempts to outline various dimensions and issues of challenge in a cohesive collection, providing suggested questions for researchers to explore. The issues presented for contemplation are introduced and explained within the following three domains: **A. Influential Presuppositions in Contemplating Challenge Issues** (including 1. The origin of the Qur'an and its relation to the challenge; 2. The temporal aspects of the challenge of the Qur'an; 3. The issue of the distortion of the Qur'an and its impact on challenge issues; 4. The concept of incapacity in the context of the challenge of the Qur'an). **B. Quantitative and Qualitative Analysis of the Challenge of the Qur'an** (including 1. The nature of the challenge and types of outcomes; 2. Quantity and measure in the context of the challenge; 3. Quality and similarity in the context of the challenge). **C. General Constraints Regarding Challenge Issues** (including 1. Ambiguity in the language of challenge; 2. Artificial intelligence and its role in the challenge).

References

Holy Quran

Asadali Zadeh, (1379 SH), "Fake Surahs on the Internet," *Islamic Theology*, No. 33, pp. 140–159.

Bagheri Asal, (1384 SH), *Critique and Review of Revelation Theories*, Qom: Yas Nabi.

Baqilani, (1421 AH), *The Miraculous Nature of the Qur'an*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.

4. Conclusion

Considering the numerous unclear or unexplained issues regarding the "influential presuppositions in contemplating challenge issues," "quantitative and qualitative analysis of the challenge," and "general constraints regarding challenge issues," it seems that the various dimensions of the challenge in the Qur'an, as well as its relation to the miraculous nature of the Holy Qur'an, remain ambiguous. Therefore, it is essential that researchers accurately and clearly explain these ambiguities and any existing contradictions in the issues of challenge and miracles and then provide appropriate responses to them.

Funding

There is no funding support.

Authors' Contribution

The article is a sole-authored work, and all research is the responsibility of the corresponding author.

Conflict of Interest

The authors declared no conflict of interest.

Acknowledgments

I would like to thank my wife, whose kindness significantly contributed to the completion of this article.

Collective authors, (1415 AH), *Sharh al-Mustalahat al-Kalamiyyah*, Mashhad: Astan Quds.

Hosseini, (1397 SH), "The Theory of Abandonment in the Book of Al-Mawdhih by Seyyed Murtada," *Studies in Qur'anic Sciences and Hadith*, No. 44, pp. 35–65.

Ibn Hazm, (1416 AH), *Al-Fasl fi al-Milal wa al-Ahwaye wa al-Nahl*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.

Ijji, (1325 AH), *Sharh al-Mawaqif*, Qom: Al-Sharif Al-Razi.

Iyazi, (1393 SH), "Analysis of Why the Term Miracle is Not Used in the Qur'an and Traditions," *Tafsir Research*, No. 2, pp. 13-46.

Jirjani, (1412 AH), *Al-Tarifaat*, Tehran: Nasir Khosrow.

Ostadi, (1396 SH), *Bibliography of the Non-Alteration of the Qur'an*, Qom: Mash'ar.

علمی

پیشنهادهای پژوهشی درباره تحدی در قرآن

کاظم استادی^{*} ^۱ کارشناسی ارشد گرایش علوم قرآن و حدیث، پژوهشگر مطالعات اسلامی، نسخه پژوه.

10.22080/qhs.2025.28562.1182

چکیده

در نگاه اولیه صرف، چنین به نظر می‌رسد که مسأله معجز بودن قرآن کریم و تحدی نمودن آن، متفاوت از هم می‌باشند، در حالی که کاملاً به هم مرتبط هستند و در حالات متعددی قابل تبیین و پیگیری هستند. در این میان، عده‌ای از اندیشمندان اسلامی، شش آیه از آیات قرآن را در موضوع تحدی قرآن دانسته‌اند. اکنون، چه آیات شش‌گانه تحدی، مسأله‌ای صرفاً تفسیری دانسته شود و چه این آیات، موضوعی صرفاً کلامی قلمداد گردد، بالاخره مناسب است که مسائل پیرامون تحدی و هم‌وردی قرآن به صورت دقیق باز شوند و ابعاد مختلف این موضوع مشخص گردند؛ تا اندیشمندان و پژوهشگران بهتر بتوانند این بحث را تحلیل و تبیین نمایند. از این‌رو مناسب است تا بررسی شود که موضوع تحدی را می‌توان از چه «جهات و رویکردهایی» مورد نظر و تأمل قرار داد. در مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و کمک‌گرفتن از راهبرد استقرایی، بعضی از اهم موضوعات و رویکردهایی تحدی که لازم است پژوهشگران پیرامون آن‌ها تأملاتی داشته باشند و سخن بگویند، به‌عنوان «پیشنهادهای پژوهشی درباره تحدی در قرآن» مطرح شدند. در نهایت مشخص شد که ابعاد مختلف تحدی در قرآن و نیز نسبت آن با اعجاز قرآن، هنوز مبهم هستند؛ بنابراین لازم است تا این ابهامات و تناقضات توسط پژوهشگران تبیین و پاسخ داده شوند.

تاریخ دریافت:

۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش:

۰۹ تیر ۱۴۰۳

تاریخ انتشار:

۲۰ اسفند ۱۴۰۳

کلیدواژه‌ها:

اعجاز قرآن؛ آیات تحدی؛ کمیت‌شناسی تحدی؛ کیفیت‌شناسی تحدی؛ صرفه

^{*} نویسنده مسئول: کاظم استادی

آدرس: پژوهشگر مطالعات اسلامی، نسخه پژوه

ایمیل: kazemostadi@gmail.com

۱ مقدمه

عده‌ای از اندیشمندان، تحدی و هم‌وردی برای قرآن را از شرایط معجزه‌بودن قرآن دانسته‌اند (نک: باقلانی، ۱۴۲۱ق: ۱۶۱؛ ایچی، ۱۳۲۵ق: ۲۲۴/۸)؛ و از سوی دیگر، برخی، برآنند که «قرآن کریم معجزه مستقیم الهی» و به تعبیر دیگر «معجزه پیامبر(ص) به واسطه انزال الهی» است (به‌عنوان نمونه نک: مؤدب، ۱۳۷۹ش: ۹۹-۴۹). اما به نظر می‌رسد که مسأله «معجزه‌بودن قرآن کریم» و «تحدی‌نمودن قرآن»، دو موضوع قابل تمایز و متفاوت، اما کاملاً به هم مرتبط هستند و اگر نیک تأمل شود، می‌توانیم نسبت آن‌ها را در چند حالت تبیین و پیگیری نماییم:

یکم - «قرآن معجزه‌ای است بدون تحدی»؛ قرآن کریم می‌تواند معجزه باشد، اما نسبت به متن یا محتوای خود به‌عنوان معجزه الهی، تحدی‌ای ننموده باشد. به این معنی که معجزات زیادی برای پیامبران و نیز پیامبر اسلام (ص) گزارش نموده‌اند که خداوند متعالی یا پیامبران او، تحدی نسبت به این معجزات در میان پیروان و مخالفان خود مطرح نکرده‌اند؛ بنابراین هیچ الزامی میان ارائه معجزه و تحدی مطرح نیست و حتی عدم اعتقاد به این مطلب، ممکن است اصالت بسیاری از معجزات پیامبران را مخدوش نماید (نک: ابن‌حزم، ۱۴۱۶ق: ۱۷۴/۳). بر اساس این می‌توان گفت که حتی اگر آیات تحدی در قرآن وجود نداشتند، خدشه‌ای بر اعتقاد کسانی که قرآن را معجزه می‌دانند، وارد نمی‌شد و نظریه اعجاز قرآن، برای ایشان پابرجا خواهد بود.

دوم - «تحدی قرآن بدون قبول اعجاز»؛ حالت دومی که برای نسبت اعجاز و تحدی قابل طرح و پشتیبانی می‌باشد؛ عبارت از این است: قرآن کریم در آیات خود اعلام تحدی بر متن یا محتوای خود نموده باشد، اما اساساً این کتاب الهی، معجزه پیامبر اسلام (ص) نبوده باشد. به این معنی که، همان‌گونه که کتب آسمانی دیگر، الزاماً معجزه پیامبران نبوده‌اند و پشتیبانی پیامبری ایشان، به معجزات و امور دیگر تحقق یافته (و یا فقط بر اساس ادعای ایشان و پیروی پیروان، شکل گرفته)؛ اکنون نیز، منع عقلی وجود ندارد که معجزه پیامبری حضرت محمد (ص) را موارد دیگری به غیر از قرآن کریم قلمداد نماییم و از سوی دیگر آیاتی را از قرآن در موضوع تحدی تفسیر و تبیین نماییم.

سوم - «قرآن معجزه‌ای است همراه با تحدی»؛ در حالت سوم، می‌توان نسبت معجزه‌بودن قرآن و تحدی در آن را، هماهنگ و غیرمجزا تبیین کنیم. به این معنی که قابل شویم، هم قرآن کریم معجزه است و هم در این معجزه پیامبر(ص)، اعلام تحدی و هم‌وردی صورت گرفته است. این نظریه، لاف‌لاقل مورد پسند و قبول بسیاری از اندیشمندان معاصر مسلمان است.

در هر صورت، برای هضم بیشتر این حالات و احتمالاتی که گذشت، مناسب است تا نکات و اشاراتی درباره اعجاز قرآن و موضوع تحدی در قرآن داشته باشیم:

الف. ابهامات و سؤالاتی پیرامون اعجاز قرآن

اجمالاً در تعریف معجزه، آمده است: «کار خارق‌العاده‌ای که با عنایت خداوند به دست مدعی نبوت، برای اثبات صدق مدعای خویش انجام می‌گیرد و البته باید مطابق با مدعای مدعی نبوت باشد» یا به عبارت دیگر آمده است: «امر خارق‌العاده‌ای است که همراه با ادعای نبوت توسط پیامبران انجام می‌شود و کسی توان مقابله با آن را ندارد» (به عنوان نمونه نک: مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۵؛ جرجانی، ۱۴۱۲ق: ۹۶).

این‌که کتاب قرآن، خارق‌العاده و شگفت‌انگیز است، ظاهراً مسأله روشنی است؛ ولی جدای از آن، اکنون مشهور شده که قرآن، معجزه پیامبر(ص) است؛ اما آیا واقعاً به معنای خاص کلامی، قرآن معجزه نبوت حضرت محمد (ص) بوده است؟ اکنون چگونه بفهمیم که قرآن، معجزه نبوت پیامبر بوده است؟ آیا در قرآن ذکر شده که قرآن معجزه پیامبر است؟ یا در متن آن، فقط تحدی نسبت به آیاتش، صورت گرفته است؟ آیا خود شخص پیامبر، قرآن را به‌عنوان معجزه پیامبری خود، معرفی نموده است؟ آیا مردم عصر پیامبر، قرآن را معجزه نبوت محمد (ص) می‌دانستند؟ یا اینکه از ایشان، درخواست معجزاتی برای اثبات نبوت خویش، نموده‌اند؟ آیا تعریف بالا یا تعاریف مشابهی که کلامیون برای مفهوم معجزه دارند، قابل تطبیق با قرآن به‌ عنوان معجزه پیامبر هستند؟

شواهد نشان می‌دهد که به‌سادگی نمی‌توان پذیرفت که قرآن، معجزه نبوت پیامبر(ص) بوده باشد و ابهاماتی در این مسأله، قابل تبیین است؛ مثلاً: ۱- معجزه، فعلی است که لازم است توسط مدعی نبوت انجام شود؛ در صورتی که قرآن، فعل پیامبر نیست؛ بلکه فقط «کلام» خداست؛ مگر اینکه بپذیریم، قرآن، کلام محمد (ص) است. ۲- معجزه، پس از نبوت و ادعای نبوت است؛ در صورتی که قرآن، پیش (یا حداقل، هم‌زمان) از نبوت واقع شده است؛ یعنی، وقتی قرآن نازل شد، تازه، محمد (ص) پیامبر شد؛ نه اینکه وی پیامبر بوده باشد و سپس برای اثبات نبوت او، قرآن نازل گشته باشد.

بنابراین با دقت در این مسائل و تأملات و نیز توجه به این نکته که بررسی سیر تاریخی موضوع اعجاز قرآن، نشان از استعمال و رواج «معجزه»، «اعجاز» و «خرق عادت» از سوی متکلمان در قرن‌های ۳ تا ۵ هجری قمری دارد (نک: ایازی، ۱۳۹۳ش: ۴۶-۱۳)؛ اکنون لازم است این پرسش مهم، پژوهش گردد که: «از چه دوره و زمانی، مشهور شده است که قرآن کریم، معجزه نبوت پیامبر(ص) است؟»

ب. تحدی در قرآن و ذکر آیات آن

صرف‌نظر از اینکه قرآن معجزه پیامبر(ص) دانسته شود یا خیر؛ لازم است تا به برخی از آیات قرآن که عده‌ای از مفسران و متکلمان، این آیات را در مفهوم تحدی تفسیر نموده‌اند، پرداخته گردند.

مفهوم تحدی، اصطلاحی در «علوم قرآنی، تفسیر و کلام اسلامی» است. تَحْدَى یا هم‌وردخواستن؛ اجمالاً در معنی به مبارزه‌طلبیدن رقیب برای آشکارشدن ناتوانی او دانسته شده است (به‌عنوان نمونه نک: شرح المصطلحات الکلامیه، ۱۴۱۵ق: ۶۴) همچنین همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، برخی

پژوهشگران بهتر بتوانند بحث تحدی را تجزیه و تحلیل و تبیین نمایند.

از این رو مناسب است تا بررسی شود که موضوع تحدی را از چه جهات و رویکردهایی می‌توان مورد نظر و تأمل قرار داد و روشن نمود که «پیش‌فرض‌هایی تأثیرگذار در تأملات مسائل تحدی» کدامند؟ و از سوی دیگر، «کمیت و کیفیت‌شناسی تحدی قرآن» شامل چه مواردی می‌گردد؟ و آیا «تنگناهای کلی پیرامون مسائل تحدی» پیش روی ما قرار دارند و آن‌ها شامل چه چیزهایی می‌توانند باشند؟

در مقاله حاضر، بعضی از اهم موضوعات و مواردی که لازم است پژوهشگران پیرامون آن مسائل، تأملاتی داشته باشند و سخن بگویند، مطرح می‌گردد. البته، آثار و مقالات متعددی به صورت مستقل و غیر مستقل پیرامون تحدی قرآن نگاشته شده‌اند، که در دهه گذشته، رو به فزونی بوده‌اند؛^۱ اما با توجه به مآخذشناسی و کتاب‌شناسی آثار پیرامون تحدی و هم‌وردی قرآن، به نظر می‌رسد که مقاله حاضر، اولین نوشته‌ای است که تلاش دارد تا ابعاد و مسائل مختلف تحدی را در یک مجموعه واحد، طرح و سوالات پیشنهادی را جهت پژوهش محققان، ارائه دهد. اکنون این مسائل قابل تأمل، در سه حوزه زیر معرفی و تبیین می‌گردند:

۳ پیش‌فرض‌هایی تأثیرگذار در تأملات مسائل تحدی

در بررسی هر مسأله‌ای، لازم است تا پیش‌فرض‌های دخیل در آن مسأله که ممکن است تغییر و ماهیت آن‌ها، تأملات محقق را دستخوش تفاوت نمایند، مورد نظر باشند. بدین جهت

تحدی را از شرایط معجزه‌بودن قرآن می‌دانند که براساس آن، پیامبر اسلام، منکران نبوتش را به مبارزه می‌طلبند تا ماندی برای قرآن بیاورند. به عبارت دیگر عقیده دارند که «در قرآن برای اثبات معجزه‌بودن قرآن و نبوت پیامبر (ص)، منکران، به مبارزه دعوت شده‌اند و از آن‌ها خواسته شده است که اگر قرآن را از جانب خدا نمی‌دانند، همانندی برای آن بیاورند که به آن تحدی به قرآن گفته می‌شود».

در هر صورت، برخی از اندیشمندان اسلامی، شش آیه از آیات قرآن را ناظر و مرتبط با موضوع تحدی قرآن دانسته‌اند:

۱- وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (بقره/۲۳)، ۲- أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَلْطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (یونس/۳۸)، ۳- أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَلْطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (هود/۱۳)، ۴- قُلْ لَنْ أَجْتَمَعَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا (اسراء/۸۸)، ۵- قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (قصص/۴۹) و ۶- فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ (طور/۳۴).

۲ طرح مسأله و پیشینه

اکنون، چه آیات ششگانه مورد استناد در حوزه تحدی برای قرآن کریم را مسأله‌ای تفسیری (تفسیر مقدم - تفسیر متأخر) بدانیم و چه این آیات را موضوعی صرفاً کلامی (کلام مقدم - کلام متأخر) قلمداد کنیم، بالاخره مناسب است که مسائل پیرامون تحدی و هم‌وردی قرآن به صورت دقیق باز شوند و ابعاد مختلف این موضوع مشخص گردند تا اندیشمندان و

تاریخی از تحدی قرآن و پیامدهای آن»، معارف اسلامی معاصر، س ۱، ش ۱: ۱۷-۱۰.

۱۸- مسائلی، احمد (۱۳۹۸)، «بررسی اشکالات کتاب الفرقان الحق»، قرآن پژوهی خاورشناسان (قرآن و مستشرقان)، س ۱۴، ش ۱ (پیاپی ۲۶، بهار): ۱۹۵-۱۹.

دسترنج، فاطمه (۱۳۹۸)، «بررسی آیات تحدی براساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف»، پژوهش‌های ادبی - قرآنی، س ۷، ش ۳ (پیاپی ۲۷، پاییز): ۱۷۸-۱۶۳.

۲۰- امیری دوماری، نفیسه (۱۳۹۸)، «گستره تحدی قرآن»، تحقیقات قرآنی و حدیثی، ش ۲ (پیاپی: ۳۹-۴۹، بهار): ۲۱-۲۰.

انتقادی کتاب حدیث حسن الايجاز فی ابطال الاعجاز»، قرآن پژوهی خاورشناسان (قرآن و مستشرقان)، س ۱۵، ش ۱ (پیاپی ۲۸، بهار): ۸۶-۲۷.

۲۲- محمدی، محمدعلی (۱۳۹۹)، «صرفه طولی، تضمین همانندپندیری جاودانه قرآن کریم»، مطالعات علوم قرآن، س ۲، ش ۳ (پیاپی ۵، پاییز): ۱۷۴-۱۴۴.

۲۳- صادقی، طاهره (۱۳۹۹)، «بررسی «اکوای نگاه سید مرتضی پیرامون وجه اعجاز قرآن با تکیه بر نظریه صرفه»، آفاق علوم انسانی، س ۴، ش ۴۵ (دی): ۱۸-۲۴.

۲۴- استاجی، اعظم (۱۴۰۰)، «بررسی استدلال تحدی در چارچوب نظریه استدلال ورزی»، زبان و ادبیات عربی، س ۱۳، ش ۲ (پیاپی ۲۵، تابستان): ۲۱-۲۰.

۲۵- ابراهیمی، لیلا (۱۴۰۰)، «گستره تحدی قرآن از منظر نواندیشان معاصر و نقد آن»، مطالعات قرآنی نامه جامعه، ش ۱۳۹ (پاییز): ۵۲-۳۱.

۲۶- سلامی زواره، عبدالرضا (۱۴۰۱)، «کاشفیت تحدی قرآن بر امتناع وقوعی آن، بر اساس محاسبه ریاضی»، اندیشه نوین دینی، ش ۷۱ (زمستان): ۱۲۰-۱۰۳.

۲۷- فرزام، محمدصادق (۱۴۰۲)، «جستاری نو در تحدی قرآن از منظر علامه طباطبائی و میرزا مهدی اصفهانی»، سفینه، ش ۸۱ (زمستان): ۷۰-۵۱.

۲۸- زرسازان، عاطفه (۱۴۰۲)، «بازخوانی آیات تحدی با تأکید بر سیاق»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، س ۲۰، ش ۴ (پیاپی ۶۰، زمستان): ۱۱۱-۸۱.

یا کتاب‌هایی همچون: ۲۹- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۲۳/ق/۱۳۸۰)، «الإعجاز و التحدی فی القرآن الکریم، تحقیق قاسم هاشمی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

۳۰- محمدی، محمدعلی (۱۳۹۶)، «اعجاز قرآن با گرایش شیعی پژوهشی: بررسی آثار مدعیان هم‌وردی با قرآن در قرن اخیر (ج ۳)، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۳۱- جواهری، سید محمدحسن (۱۳۹۷)، «اعجاز و تحدی، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱. غالب نوشته‌های اخیر (۳۱ اثر) به ترتیب تاریخ انتشار عبارت‌اند از: ۱- قاضی‌زاده، کاظم (۱۳۷۴)، «نگرشی به نظریه صرفه»، نامه مفید، ش ۳ (پاییز): ۸۶-۳۹.

۲- بهشتی، احمد (۱۳۹۰)، «معجزه و تحدی»، عقل و دین، ش ۲ (بهار): ۳۱-۲۰.

۳- شاهمرادی، محمد مهدی (۱۳۹۱)، «عیارشناسی مثلیت در آیات تحدی قرآن»، رهیافت‌هایی در علوم قرآن و حدیث، س ۴، ش ۱ (پیاپی ۸۸، بهار): ۱۳۱-۱۱۷.

۴- سلطانی‌پیرامی، اسماعیل (۱۳۹۱)، «از تحدی‌های گوناگون قرآن از منظر اسناد مصباح»، قرآن شناخت، س ۵، ش ۲ (پیاپی ۱۰، پاییز): ۱۰۸-۸۵.

۵- جواهری، محمدحسن (۱۳۹۱)، «بازخوانی نظریه صرفه»، قیسات، ش ۶۶ (زمستان): ۱۸۰-۱۴۷.

۶- موسوی‌اندروزی، نرجس (۱۳۹۴)، «دلایل اصالت وحی قرآنی از منظر قرآن، بازاندیشی در تفسیر قطعات تحدی»، دین و دنیای معاصر، س ۲، ش ۱ (پیاپی ۲، بهار): ۱۳۲-۱۰۱.

۷- بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۴)، «بررسی سیر تنزیلی آیات تحدی»، قیسات، ش ۷۷ (پاییز): ۹۶-۶۷.

۸- صانعی‌پور، محمدحسن (۱۳۹۴)، «از تحدی‌های گوناگون قرآن بر اساس دیدگاه معناشناختی ایزوتسو»، پژوهش‌نامه معارف قرآنی، ش ۲۲ (پاییز): ۱۸۲-۱۵۹.

۹- خاکپور، حسین (۱۳۹۵)، «چرایی تفاوت آیات تحدی از دیدگاه علامه طباطبائی در المیزان»، اندیشه علامه طباطبائی، ش ۴ (بهار): ۸۶-۱۰.

۱۰- جواهری، محمدحسن (۱۳۹۵)، «اکوای ملاک تحدی در قرآن و نقد منطقی تنزیلی»، پژوهش‌های قرآنی، س ۲۱، ش ۲ (پیاپی ۷۹، تابستان): ۱۳۵-۱۱۰.

۱۱- اخوان‌صراف، زهرا (۱۳۹۶)، «باز تفسیر تحدی به مثابه استدلالی عقلی به جای آزمونی تجربی (شبه‌شناسی در زمینه اعجاز قرآن)»، دین و دنیای معاصر، س ۴، ش ۱ (پیاپی ۶، بهار)، صص ۳۴-۱۲.

۱۲- آغازی، رحمان (۱۳۹۶)، «تحلیل انتقادی الفرقان الحق در حوزه رهیابیت و جامعیت در معارضه با قرآن»، پژوهش‌نامه تفسیر و زبان قرآن، س ۵، ش ۲ (پیاپی ۱۰، بهار): ۱۶۰-۱۴۵.

۱۳- عسگری، انسیه (۱۳۹۶)، «تحلیل انتقادی دیدگاه محمد شحرور در خصوص اعجاز و تحدی قرآن»، مطالعات اندیشه معاصر مسلمین، ش ۶ (پاییز): ۱۲۹-۱۰۵.

۱۴- موسوی، مهدی (۱۳۹۷)، «تحدی قرآن (نقد و بررسی)»، قیسات، ش ۸۷ (بهار): ۱۰۹-۸۰.

۱۵- قزایی، احمد (۱۳۹۷)، «بررسی آموزه تحدی قرآن با حوزه مطالعات نشانه‌شناسی متن»، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، س ۲، ش ۱ (پیاپی ۵، بهار): ۹۶-۷۷.

۱۶- حسینی، سیده خدیجه (۱۳۹۷)، «نظریه صرفه در کتاب الموضح سید مرتضی: پژوهشی درباره اهمیت، مبانی و روش اثبات آن»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ش ۴۴ (زمستان): ۶۵-۳۵.

۱۷- شاکر، محمدکاظم (۱۳۹۷)، «تفسیری

می‌گوییم: در مسأله تحدی نیز پیش‌فرض‌های متعددی قابل تبیین هستند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۳، ۱ منشأ قرآن و نسبت آن با موضوع تحدی

از دیرباز تاکنون، نظریه‌های متعددی پیرامون ماهیت وحی و نوع ابلاغ وحی و نقش پیامبر (ص) در ایجاد قرآن ارائه شده است (به‌عنوان نمونه نک: معموری، ۱۳۸۱ش: ۹ - ۲۴؛ باقری‌اصل، ۱۳۸۴ش: سراسر متن) که مجموع این نظریه‌ها را می‌توان در سه حالت یا نظریه کلی دسته‌بندی کرد و درباره منشأ قرآن برای «لفظ، عبارت و محتوای» آن، تأملات و بررسی‌هایی نمود:

الف - «الفاظ، چینش واژه‌ها در کنار هم و نهایتاً محتوای قرآن» از خداوند متعال هستند و پیامبر اسلام (ص) نقشی در محصول وحی (قرآن) به‌عنوان کلام الهی نداشته است.

ب - «مفهوم و محتوای قرآن کریم» از خداوند متعالی است؛ اما «الفاظ، چینش واژه‌ها در کنار هم و نهایتاً مصحف بر ساخته قرآن» توسط حضرت محمد (ص) صورت گرفته است.

ج - «الفاظ، چینش واژه‌ها در کنار هم» و نهایتاً «محتوای قرآن»، همگی از پیامبر اسلام (ص) هستند و خداوند متعال به صورت تشریعی، نقشی در ایجاد قرآن به‌عنوان کلام خویش نداشته است؛ هرچند که تکویناً می‌توانسته مقدمات ایجاد و شکل‌گیری قرآن را تدبیر نموده باشد.

در زمینه (انتکست) هر کدام از این فرضیه‌ها یا نظریه‌ها، «معنی، مفهوم و مدلول» آیات تحدی و نظریه‌های درباره آن، متفاوت خواهند شد. بنابراین، قائلان هر یک از نظریه‌های پیرامون ایجاد متن قرآن، لازم است «تفسیر اختصاصی» خود را در نظام اندیشگی خویش اعلام نمایند. جدای از این، مناسب و بلکه ضروری است تا هر یک از معتقدان این سه نظریه چگونگی خلق قرآن، تفاسیر نظریه‌های مقابل از آیات تحدی قرآن (بقره، ۲۳؛ یونس، ۳۸؛ هود، ۱۳؛ اسراء، ۸۸؛ قصص، ۴۹؛ طور، ۳۴) را نقد و ارزیابی و نهایتاً رد نمایند.

۳، ۲ نسبت زمان در موضوع تحدی قرآن

نظر مشهور متکلمان، بر وقوع تحدی استوار است؛ بنابراین اگر فرض بگیریم که خداوند متعال در قرآن کریم، «تحدی» و هم‌اوردی نموده است و این تحدی او به بیشترین مقدار آیات و یا کمترین مقدار آن بوده است؛ این مسأله بسیار مهم و قابل توجه در مقابل قرار دارد که: هم‌اوردی و تحدی قرآن به چه «زمانی» تعلق دارد؟

زمان تحدی قرآن کریم را در سه دوران و مقطع تاریخی، می‌توان مورد بررسی و دقت قرار داد:

3.2.1 تحدی به گذشته

بعید نیست که در مسأله هم‌اوردی، خداوند متعال یا شخص پیامبر (ص)، نظر به گذشته داشته باشند؛ به این معنی که از مردمانی که آیات ایشان را انکار نموده‌اند و یا نسبت به آن، وسواس به خرج داده‌اند، خواسته: آیا گفتار و نوشتاری از

گذشتگان، سراغ دارید که همانند آیات ابلاغی ما باشند؟ اگر سوره و کتابی از ایشان می‌شناسید، ارائه دهید؟

در این نوع تحدی، مسائل ویژه‌ای پیش روی ما قرار دارد که باید مورد تأمل قرار گیرند؛ همانند: آیا اشعار و متون عربی فصیح و بلیغ از گذشتگان عرب، در دوران حیات پیامبر (ص) بر جای بوده‌اند؟ تا مخالفان پیامبر بخواهند به آن‌ها استشهد نمایند؟

همچنین با فرض وجود آن آثار، آیا مردمان مقابل پیامبر (ص) به این دست آثار کتبی یا منقولات شفاهی گذشتگان، استشهد کرده‌اند یا خیر؟ و آیا ممکن است که این گزارش‌های استشهادی آن‌ها، به دلایل گوناگونی (همانند عدم تمایل و اعمال نظر حکومت‌های جهان اسلام) اکنون در اختیار ما قرار نگرفته باشد؟ از سوی دیگر، آیا متن عربی افزوده شده بر اناجیل و متون عهد عتیق که البته تمایز آن‌ها با کلام الهی در این کتب مشخص نیستند، می‌توانند در دایره شمول هم‌اوردی با گفتار پیامبر (ص) قرار داشته باشند؟

3.2.2 تحدی به حال

همچنین بعید نیست که مراد قرآن کریم در مسأله هم‌اوردی، تنها نظر به زمان حال حیات پیامبر (ص) داشته باشد؛ به این معنی که تنها از مردمانی که مخاطبان پیامبر زنده هستند، خواسته شده: آیا شما مردمان می‌توانید گفتاری همانند گفتار ما ارائه دهید؟

در این حالت، شمول تحدی به آینده تعلق نخواهد گرفت و چه‌بسا که آیندگانی پس از پیامبر (ص)، بتوانند همانند آیات قرآن و بلکه بهتر از آن را ارائه دهند.

3.2.3 تحدی به آینده

لااقل، کسانی که قرآن را کتاب «جاوید» و معجزه همیشگی می‌دانند (به‌عنوان نمونه نک: مقدسی، ۱۳۹۶ش: سراسر متن)؛ به‌راحتی می‌توانند ادعا نمایند که تحدی در آیات شش‌گانه قرآن، شامل زمان آینده نیز هست.

به این معنی که از دوران پس از رحلت پیامبر (ص) تا قیام قیامت، کسی یا کسانی، نمی‌توانند همانند آیات قرآن را در پیشخوان نگاه مردم جهان قرار دهند؛ حتی اختراعات پیشرفته بشر (همانند هوش مصنوعی).

3.2.4 تحدی چند زمانی

جدای از سه زمان انفرادی مذکور، ممکن است عده‌ای از متفکران قائل شوند که مسأله تحدی قرآن، «چند زمانی» است و شامل موارد زیر نیز می‌گردد: الف - تحدی به «گذشته و حال». ب - تحدی به «حال و آینده». ج - تحدی به «گذشته، حال و آینده»

در این جا، دو نکته قابل توجه است:

الف - برای روشن‌شدن «زمان تحدی» آیات شش‌گانه تحدی، لازم است دقت نماییم که این آیات قرآن به واسطه چه «رخداد تاریخی و شائی»، نازل و ابلاغ شده‌اند؟

زیرا ظاهراً روشن است که آغاز نزول آیات قرآن بر پیامبر و مردمان عصر وی (به‌عنوان نمونه نک: زرکشی، ۱۳۷۶ق:

«مضامین عالی» نسبت به محتوای تحریف‌شده قرآن تلقی شوند.

بنابراین، درست است که ظاهراً هنوز کسانی، چندان در صدد هم‌آوردی محتوای قرآن نبوده‌اند؛ اما اگر این نوع نقض هم‌آوردی‌ها نسبت به قرآن کریم رایج گردد، بررسی نسبت تحریف معنوی قرآن در مسأله تحدی، کاملاً تأثیرگذار و قابل توجه خواهد گشت.

3.3.2 نسبت تحریف لفظی و تحدی در قرآن

برای «تحریف مصحف» دو مفهوم تحریف «لفظی» و «غیرلفظی» قابل تعریف هستند و برای مصادیق تحریف لفظی، حالاتی را می‌توان در نظر گرفت: ۱- مصادیق انواع انحراف حذفی در وحی. ۲- مصادیق انواع انحراف اضافی در وحی. ۳- مصادیق انواع انحراف جابه‌جایی در وحی (نک: استادی، ۱۴۰۱ش: ۱۶۵-۱۹۱). در این میان، لااقل هشت نوع از انواع جزئی انحراف حذفی وحی در جمع‌آوری و انتقال الفاظ مصحف در دوره‌های زمانی متعدد نزول وحی از زمان پیامبر(ص) تا به امروز، قابل تصور و تبیین هستند؛ همانند: «حذف‌شدن یک آیه، بخشی از یک آیه، یک کلمه، بخشی از کلمه یا چندحرف، یک حرف از کلمه، یک یا چند حرکت و مصوت و نیز حذف نقاط در حروف نقطه‌دار و بی‌نقطه».

بنابراین، با توجه به امکان عقلی تحریف لفظی، لازم است تا «نسبت تحریف لفظی و تحدی در قرآن» به‌عنوان پیش‌فرضی از مسائل هم‌آوری قرآن، مورد تأمل و بررسی قرار گیرد. به‌عنوان نمونه در کتاب کافی روایتی با این اسناد آمده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۴۱۷/۱): عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ مُخَلِّ بْنِ جَابِرٍ قَالَ: نَزَلَ جِبْرِيلُ (ع) بِهَذِهِ الْآيَةِ عَلَى مُحَمَّدٍ هَكَذَا «وَ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا فِي عَلِيٍّ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ» (بقره، آیه ۲۳).

اگر کسانی صحت این دست روایات را بپذیرند، موضوع و مسأله تحدی، از دایره قرآن خارج شده و به دایره شخصیت حضرت امیر (ع) وارد می‌گردد. به این معنی که «اگر از آن چه در مورد علی بر بنده خود [محمد (ص)] نازل کرده‌ایم شک دارید، یک سوره همانند آن بیاورید». این تأویل و گزارش از آیه، قصد تحدی به خارق‌العادگی متن قرآن ندارد و مقصود آن، ویژگی شخصیتی خاص حضرت علی (ع) است.

البته، این روایت مطرح نشد که گفته شود قرآن تحریف شده است؛ بلکه منظور آن بود که برای مسأله تحدی در قرآن، لازم است ابعاد مختلفی مورد تأمل و بررسی قرار گیرند که یکی از این ابعاد، بررسی اختلاف قرائات و نیز روایات تحریف قرآن، درباره آیت ششگانه تحدی است.

3.3.3 نسبت تأثیر تحریف قرآن در موضوع تحدی

صرف‌نظر از مسائل و موضوعات قابل طرح در «نسبت تحریف معنوی و تحدی در قرآن»، اساساً اگر فرض کنیم که آیات ششگانه تحدی، دچار تحریف لفظی یا تحریف معنوی شده‌اند؛ یا حتی بالاتر، اگر فرض کنیم که آیات تحدی، آباتی افزودن شده بر قرآن کریم هستند و اصلاً در متن وحی الهی نبوده‌اند؛ این سؤال مهم قابل تأمل است که آیا در این حالت،

با مسأله تحدی همراه و هم‌زمان نبوده است و سال‌ها پس از نزول بخشی از قرآن کریم، اولین آیات تحدی، نازل یا ابلاغ شده‌اند (ظاهراً آیه ۳۴ سوره طور، هفتاد و ششمین سوره نازل شده؛ نک: معرفت، ۱۳۷۱ش: ۱۶۶/۲؛ زرکشی، ۱۳۷۶ق: ۱۹۳/۱).

ب- از سوی دیگر، «کارکرد تحدی» نیز، مسأله قابل توجه و ویژه‌ای است؛ به این معنی که اگر کارکرد تحدی را مرتبط با بحث اعجاز قرآن بدانیم، سنجش کمیت بروز ایمان در مردمان صدر اسلام، لااقل روشنگر این مطلب است که عده‌ای از مردمان حجاز، به واسطه اعجاز گفتاری آیات پیامبر(ص) یا شاید تحدی قرآن، به آئین وی گرویده‌اند.

هرچند که ممکن است ادعا شود که این کارکرد، اکنون «فشل و ناکوک» می‌باشد و جمع چشم‌گیری از انسان‌های معاصر، به واسطه متن فوق‌العاده قرآن و تحدی آیات آن، به پیامبر(ص) و دین وی ایمان نمی‌آورند و در حال حاضر، متن اعجازگونه قرآن، تأثیری در منظومه فکری غالب انسان‌های جهان ایجاد نمی‌کند.

پس بنابراین، الزاماً نمی‌توان ادعا نمود که مردمان صدر اسلام، به واسطه آیات الهی به پیامبر اسلام (ص)، ایمان آورده‌اند و ممکن است به دلایل دیگری همانند «اخلاق» یا «مدیریت پیامبر» و حتی به «اجبار» یا «تصاحب ثروت و قدرت» و یا ...، به دین پیامبر روی آورده باشند.

۳،۳ موضوع تحریف قرآن و تأثیر آن در مسائل تحدی

از نظر اندیشمندان مختلف، وقوع «تحریف معنوی» برای قرآن، امر مسلمی است؛ و قرآن کریم در «گذشته، حال و آینده»، دچار این نوع تحریف گشته و خواهد گشت (برای اطلاع بیشتر نک: حیاتی، ۱۳۸۹ش: سراسرمتن). اما از سوی دیگر برخی از اندیشمندان اسلامی، نسبت به «تحریف لفظی» قرآن، حساسیت ویژه دارند (نک: استادی، ۱۳۹۶ش: سراسرمتن)؛ هرچند توجه کامل ندارند که برگشت تحریف لفظی، نهایتاً به همان تحریف معنوی است، به این معنی که نتیجه تحریف لفظی، تحریف معنوی است و این وضعیت، چیز جدایی از آن چه درباره تحریف معنوی پذیرفته‌اند، نیست. در هر صورت، لازم است تا مسأله تحدی را در قرآن به نسبت موضوع تحریف قرآن و نیز اختلاف قرائات در قرآن، مورد تأمل و سنجش مجزا قرار گیرد.

اکنون، جدای از بحث قرائات، این تأملات را می‌توان در دو رویکرد «نسبت تحریف معنوی و تحدی در قرآن» و نیز «نسبت تحریف لفظی و تحدی در قرآن» دنبال نمود:

3.3.1 نسبت تحریف معنوی و تحدی در قرآن

این امکان وجود دارد که در تحریفات معنوی بر «معنی، مفهوم و دلالت» متن قرآن کریم، برخی به گونه‌ای قرآن را تفسیر نمایند که محتوای متن قرآن چنان عادی و ساده‌انگارانه گردد که هم‌آوردی محتوای آن متن، بسیار ساده شود و یا حتی برخی از متون متقدم و جدید اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان که البته قصد هم‌آوردی نداشته‌اند، از جهت محتوای، بهتر و دارای

فوق‌العاده‌ای است، هرچند که دیگر آورندگان دعوی پیامبری ندارند.

مثلاً مانند شاعری که دیوان اشعار خارق‌العاده و ویژه‌ای دارد و تصمیم بر مدیریت و هدایت مردمانی را نموده است و برای توجه مردمان به شرایط شخصیتی ویژه خود، از دیگران می‌خواهد که یک بیت همانند اشعار او بسرایند. انجام موردی این سرایش توسط دیگران، ارزش اشعار شاعر و هدف هموردی وی را خدشه‌دار نمی‌نماید؛ زیرا که او درصدد تبیین اهمیت دیوان خود بوده و سرودن یک بیت یا ابیاتی همسان او، جایگاه ویژه او را تنزل نمی‌بخشد، بلکه این جایگاه را پراهمیت می‌نماید و مردمان می‌فهمند که این شخصیت خارق‌العاده، صلاحیت لازم را برای مدیریت ایشان دارد.

۴. کمیت و کیفیت‌شناسی تحدی قرآن

تعابیر سه‌گانه «هموردی، همانندی یا مثلثیت» در موضوعات مختلف علوم انسانی و علوم تجربی، نمی‌توانند بیگانه از دو مفهوم منطقی «کمیت و کیفیت» باشند. به این معنی که برای قضاوت دو اثر یا دو فرآورده، لازم است تا این مقایسه‌ها بر اساس معیارهایی مشخص انجام و سنجیده شوند. درباره تحدی و هموردی قرآن کریم نیز (چه آن را هموردی محتوایی بدانیم و چه آن را به هموردی لفظی تفسیر نماییم)، بدیهی است که ابعاد این هموردی نمی‌تواند بدون تبیین دقیق معیارهای کمی و کیفی مرتبط با هر مسئله مورد بحث، صورت گیرد. بر اساس این، ابتدا ضمن تبیین «انواع فرآورده‌های در موضوع تحدی» چند نوع از ابعاد «کمیت و کیفیت‌شناسی تحدی قرآن» را به‌عنوان مثال مطرح می‌نماییم.

۴.۱. موضوع تحدی و انواع فرآورده

صرف‌نظر از مناقشات مطرح در مورد داخل بودن یا نبودن مسئله «تحدی» در «تعریف معجزه پیامبران» وجود دارد، موضوع «تحدی گفتاری» را چه برای پیامبران و چه غیر آن‌ها، می‌توان در ابعاد گوناگونی مورد تأمل قرار دارد که یکی از این رویکردها، بحث «تحدی و انواع فرآورده» است. تحدی گفتاری و همچنین نوشتاری، از این جهت حالاتی و اشکالی دارند:

4.1.1 تحدی به محتوا

گفتارها و نوشتارها، اگر مهمل نباشند، شامل محتوای عقلایی هستند. محتوای یک گفتار یا نوشتار، می‌تواند یک‌منظوره یا چند منظوره باشد. برخی از انواع محتواها عبارت‌اند از: محتوای علمی (از نوع علوم تجربی)؛ محتوای اخباری (از نوع اخبار غیبی و عادی)؛ محتوای معرفتی (از نوع شناخت تجربی یا متافیزیکی)؛ محتوای تدبیری (از نوع اخلاقی یا رفتاری).

بنابراین، ممکن است کسی معتقد شود که تحدی موجود در قرآن، فقط از نوع «تحدی به محتوا» است؛ یا لاقلاً تحدی به محتوا، اولویت دارد. یعنی دیگران نمی‌توانند محتوایی همانند محتوای آیات و سور قرآن کریم بیاورند. هرچند که ممکن است این تحدی قرآن، شامل فقط یک نوع یا چند مورد از انواع محتوای گردد که ذکر آن‌ها پیش‌تر گذشت.

موضوعیت مسئله تحدی در قرآن، از بین می‌رود و منتفی خواهد شد؟

در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت که تحدی بر متن یا محتوای قرآن، حتی اگر موضوعی «پیشینی» نباشد و در دوره‌های متأخر و جدید مطرح شده باشد، از جنس مسائل «به-روز» است؛ به این معنی که هر مسلمان یا اندیشمندی برای اعلام ویژگی و خارق‌العاده بودن متن قرآن، می‌تواند از ابزار «تحدی آن‌لاین» استفاده نمایند و نیازی نیست که مسئله تحدی در قرآن، توسط خداوند متعال یا پیامبر(ص) به صورت «پیشینی» مطرح شده باشند.

بنابراین، هر روزی که کسی نتواند مثل آیات قرآن را (با توجه به انواعی که پیش‌تر بیان شد) بیاورد، همین عجز در هموردی، مسئله مهمی و قابل گفت‌وگویی خواهد بود.

۳.۴. مفهوم عجز در موضوع تحدی قرآن

صرف‌نظر از مباحث و موضوعاتی که پیش‌تر درباره تحدی بیان شد، اگر پذیرفته شود که مسئله تحدی می‌تواند نسبتی با معجزه پیامبر(ص) یا اعجاز قرآن داشته باشد، لازم است مسئله تحدی در برابر برخی از موضوعات فلسفی همانند «امکان و عدم امکان» نیز، مورد مذاقه قرار گیرد. به عبارت ساده، اگر عده‌ای معتقد نباشند که موضوع تحدی قرآن اساساً مسأله‌ای مجازی و غیرواقعی است، یا به نوعی، ادعا نمایند که هموردی در قرآن کریم، از جنس «رجزخوانی» در فرهنگ اعراب صدر اسلام نیست؛ پس مناسب است تا درباره نسبت مراد خداوند متعال در امکان و عدم امکان تحدی، به‌روشنی سخن بگویند. از این جهت، لاقلاً دو گزینه، پیش روی ما قرار دارد:

3.4.1 تحدی، اساساً امکان تحقق ندارد.

ما می‌دانیم که بسیاری از امور دنیایی، قابل شناسایی و ردگیری هستند که عقلاً امکان وقوع و تحقق دارند، ولی به دلایلی خارج از اراده انسان‌ها، محقق نشده یا نمی‌شوند.

مسئله تحدی نیز می‌تواند از این سنخ امور باشد. به این معنی که یا «بدون دخالت خداوند»، کس یا کسانی نمی‌توانند همانند سوره‌ای را از قرآن بیاورند و یا اینکه خداوند متعال خواست و اراده‌اش به این تعلق گرفته تا «با دخالت خود»، نگذارد تا برخی از انسان‌ها، همانند و مثلی از سور قرآن بیاورند (به‌عنوان نمونه نک: حسینی، ۱۳۹۷ش: ۳۵؛ قاضی‌زاده، ۱۳۷۴ش: ۳۹).

اگر تحدی موجود در قرآن، بر این فرض مذکور باشد، چندان ارزش «اعجازی» یا «کاربردی» ندارد و حتی شاید بتوان آن را خارج از سنخ تحدی واقعی دانست؛ زیرا این حالت که دست و پای عده‌ای را ببندد و برای کوهنوردی یک شخص خاص در میان آن گروه، فخر و مباهات و ادعای اعجاز نمایند، شایسته قرارگیری در دایره مفهوم «هموردی» نیست.

3.4.2 تحدی، امکان تحقق دارد.

بعید نیست که خداوند متعال ضمن ادعای «هموردی»، واقعاً درخواست نموده است که برخی از مخاطبان قرآن تلاش نمایند تا مثل سور قرآن را بیاورند تا بفهمند که این مسئله، مسئله

دخلی به زمانه و منطقه حجاز ندارد و تحدی موجود در قرآن، ناظر به زمانه و جغرافیای حجاز در صدر اسلام است.

پس همین که شخصی در یک منطقه «عقب‌مانده و بدوی» همانند منطقه حجاز، توانسته گفتاری ارائه دهد که مورد توجه مردم واقع شده است؛ دلیلی می‌باشد به اینکه این ارائه از عهده دیگران موجود در همان «زمان و جغرافیا» برنمی‌آمده است. قبول این نظریه، الزاماً نافی ارزش و فوق‌العادگی متن قرآن نیست؛ بلکه تنها دایره تحدی را محدود می‌نماید؛ بنابراین لازم است پژوهش‌گران، ابعاد مختلف قبول یا رد این نظریه را بررسی نمایند.

4.1.5 تحدی به کاربرد و نتیجه گفتار

شاید مهم‌ترین نوع «تحدی» که می‌توان برای قرآن کریم قائل شد، «تحدی به کاربرد و نتیجه گفتار» است؛ به این معنی که آیات و سور قرآن، چه معمولی بوده باشند و چه خارق‌العاده، آن چه مهم است، ارائه این آیات و سور از سوی پیامبر(ص)، توانسته است عده‌ای را دورادور وی جمع نماید و به آراء و افکار ارائه‌شده، ایمان بیاورند.

در این انگاره از تحدی، می‌توان ادعا نمود که منظور از تحدی موجود در قرآن این است که ای مردمان، کسی یا کسانی در میان شما وجود دارد که بتوانند با شیبه همین آیات و سور، مردمانی را به سوی خود جذب نمایند و مردم به ایشان ایمان بیاورند؟»

4.1.6 تحدی «چند وجهی»

در این میان، ممکن است برخی از افراد و اندیشمندان، منظور از تحدی موجود در قرآن را ترکیبی قلمداد نمایند؛ یعنی دایره تحدی را وسیع و شامل همه موارد مذکور یا چند مورد از آن‌ها بدانند.

در هر صورت، تمام کسانی که عقیده دارند که قرآن نسبت به آیات و سور خود، تحدی نموده است، ابتدا باید نوع تحدی منظور قرآن را مشخص نمایند و پس از آن با ارائه شواهد و دلایل متقن، این فرضیه خود را پشتیبانی و تبیین نمایند.

۴، ۲ کمیت و اندازه در موضوع تحدی

ابتدا لازم است بدانیم که برخی از اندیشمندان معتقدند که نزول آیات تحدی، بر اساس سیری منظم بوده و همواره دطلبی قرآن از مرتبه دشوار به آسان بیان شده است (به‌عنوان نمونه نک: زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۳۸۳/۲)؛ و برخی دیگر این نظم را پذیرفته و معتقدند که سیر ابلاغ این آیات، نزول منظمی نداشته و به صورت پراکنده و مختلف نازل شده‌اند (به‌عنوان نمونه نک: بهجت‌پور، ۱۳۹۴ش: ۹۶-۶۷). هرچند که اساساً اطلاعات تاریخی در اختیار اندیشمندان درباره ترتیب نزول آیات و سور قرآن و نیز ترتیب تنظیم کنونی مصحف، دقیق و قابل استناد واقعی و علمی نیست. در هر صورت همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، در قرآن کنونی و در دسترس ما، شش آیه وجود دارد که غالب مفسرین آن را در موضوع «تحدی» دانسته‌اند؛ و تحدی را به معنای «هماورخواستن و به مبارزه‌طلبیدن رقیب برای آشکارشدن ناتوانی‌اش» تفسیر یا تعریف نموده‌اند. البته صحت مفهوم این گزاره‌های بیان‌شده در

4.1.2 تحدی به شکل و ساختار عبارات

برای اهل دانش، تقریباً روشن است که هر گفتار و نوشتاری از لحاظ شکل و ساختار عبارات و به‌کارگیری کلمات و واژه‌ها، متفاوت و به نوعی متمایز هستند. به عبارت دیگر، می‌توان گفتارها و نوشتارها را از جهت: «نوع استعمال کلمات»، «چینش و جاگذاری واژگان در عبارات»، «آهنگ و موسیقی کلام» و حتی نوع «لحن» نوشتارها و گفتارها متمایز کرد و برای آن‌ها شناسنامه اختصاصی صادر نمود.

بنابراین، ممکن است عده‌ای معتقد شوند که تحدی موجود در قرآن، از نوع «تحدی به شکل و ساختار عبارات» است. یعنی جز پیامبر اسلام (ص)، دیگران نمی‌توانند کلمات و ساختاری همانند آیات و سور قرآن کریم بیاورند. البته ممکن است تحدی قرآن در این رویکرد، جزئی باشد و تنها شامل یکی از انواع تمایزات گفتاری و نوشتاری بالا گردد.

4.1.3 تحدی به وضعیت صاحب گفتار

صرف‌نظر از فوق‌العادگی «محتوا، شکل و ساختار عبارات» یک گفتار یا نوشتار، گاهی ممکن است که خود صاحب گفتار و نوشتار، وضعیت فوق‌العاده‌ای داشته باشد. به این معنی که اگر دانشمندی درس‌خوانده، شعر یا نثر دارای ساختار شکلی و محتوایی «معمولی» بگوید یا بنویسد، مسأله مهمی تلقی نگردد؛ اما اگر همان شعر و نثر «دارای ساختار شکلی و محتوایی معمولی» را فردی بدوی یا درس‌نخوانده، بنویسد یا بگوید، از آن جهت که وی «امی» است، فوق‌العاده محسوب گردد.

بنابراین، ممکن است برخی معتقد شوند که تحدی موجود در قرآن، از نوع «تحدی به وضعیت صاحب گفتار» است. یعنی ساختار شکلی و محتوایی قرآن کریم، مسأله فوق‌العاده‌ای نیست و دانشمندان و اندیشمندان دیگری نیز می‌توانند از این دست عبارات را بگویند یا بنویسند؛ اما چون گفته‌شده که پیامبر اسلام (ص) فرد امی بوده است (نک: ربیع‌نیا، ۱۳۸۲ش: سراسر متن)، پس ساختار و محتوای قرآن، نشان از امر ویژه‌ای دارد که می‌تواند پشتیبان نظریه خاص او یا ادعای او باشد.

حتی برای این نظریه، می‌توان از قرائات قرآنی نیز شاهد آورد؛ مثلاً در قرائت آیه جالب است که ۳۴ سوره طور ﴿فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ﴾ گفته شده: «وَقُرْأَ أَبُو رَجَاءٍ وَأَبُو نَهْيَكٍ وَمُورِقُ الْعَجَلِي وَالْحَدْرِي وَأَبُو السَّمَالِ (بحدیث مثله) عَلَي الْإِضَافَةِ، أَيْ: بِحَدِيثٍ رَجُلٍ مِثْلَ الرَّسُولِ فِي كَوْنِهِ أَمِيًّا لَمْ يَصْحَبْ أَهْلَ الْعِلْمِ، أَوْ فِي كَوْنِهِ وَاحِدًا مِنْهُمْ (عمر، ۲۰۰۰م: ۱۶۵/۹).

4.1.4 تحدی به جغرافیا و زمان بیان

روشن است که فصاحت و بلاغت، نسبت مهمی با «مقتضای حال» دارد و این اقتضاء حال، نسبتی با «زمان و مکان» دارد. بیراهه نیست اگر کسی ادعا کند که تحدی موجود در قرآن، ارتباط مستقیمی با «جغرافیای و زمانه» ظهور پیامبر اسلام (ص) داشته است. به این معنی که حتی اگر در اقصی نقاط کره خاکی، متون و گفتارهای قابل توجه و فوق‌العاده‌ای موجود بوده‌اند یا در آینده به وجود خواهند آمد، این وضعیت آن‌ها،

در هر صورت، اگر معنای سوره را حتی در زمینه و کانتکست رایج متأخر آن در نظر بگیریم، به این معنی است که تحدی در این آیات ششگانه قرآن کریم، لااقل به میزان کوچکترین سوره قرآن، یعنی کوثر می‌باشد. این سوره یک خطی، سه آیه دارد که شامل ۱۰ کلمه و ۴۳ حرف می‌باشد و از قضای روزگار، ظاهراً «مکی» و «پانزدهمین» سوره نازل شده بر پیامبر (ص) است که نزدیکترین «مراد» برای آیات تحدی می‌توان در نظر گرفت. به‌عنوان نمونه، طبق ادعای برخی از اندیشمندان، خداوند در آیات تحدی فرموده است «فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ»؛ که دیگران به جز پیامبر (ص)، نمی‌توانند متنی کوتاه همانند «بِسْمِ الْخَالِقِ الْكُونِ ذَلِكَ اللَّهُ الْعَظِيمُ الَّذِي وَظَفْتُهُ بِغُفْرَانٍ يَغْفِرُ (۱) يَا مُحَمَّدُ إِنَّا قَدْ أَنْعَمْنَا عَلَيْكَ بِحُكْمَةِ الرَّحْمَنِ (۲) لَئِكَ كُنْ عَزِيزاً عَلَى رَبِّكَ انْظُرْ إِلَيْهِ عَلَى أَنَّهُ يَسْمَعُ وَيرى (۳) إِذَا قُمْتَ بِذَلِكَ سَتَجِدُ أَعْدَاكَ مَهْزُومِينَ (۴)» بیاورند.

بنابراین، اکنون مناسب است تا اندیشمندان ضمن تأملاتی، دقیقاً میزان کمی تحدی را در قرآن در ابعاد مختلف آن، روشن و تبیین نمایند و ابهامات پیرامون آن را مرتفع کنند.

۴،۲،۳ وضعیت آیه در موضوع تحدی

یکی از مشکلات قابل توجه در علوم قرآنی، تعریف آیه و علت ایجاد و به‌کارگیری آن است؛ به این معنی که هنوز اندیشمندی نتوانسته نظریه کامل و قابل قبولی پیرامون «چیستی، دلالت، معنی، مفهوم» آیه (کوچکترین واحد تقسیمات قرآن) و نیز فلسفه به‌کارگیری آن ارائه دهد و نیز توضیح دهد: آیه چیست؟ و تفاوت آن با «ویرگول و وقف» یا «جمله و پاراگراف» چیست؟

روشن است که آیات قرآن، الزماً جملات کوتاه یا جملات بلند نیستند؛ چراکه آیاتی در قرآن کریم موجوداند که اساساً ساختار جمله ندارند، ولی آیه محسوب شده‌اند؛ همانند: «المص، الم، کهیص، طه، طسم، یس، حم»، همچنین روشن است که آیات قرآن، الزماً ویرگول یا «نشان وقف» نیز نیستند؛ چراکه آیاتی در قرآن کریم موجوداند که بسیار بلند می‌باشند و ده‌ها، جایگاه ویرگول و یا وقف در آن‌ها قابل نشانه‌گذاری است.

بنابراین به نظر می‌رسد که اگر سخت‌اندیشی کنیم و نخواهیم توجیه اسلامی برای معنای «آیه» داشته باشیم، آیه علامت و نشانی است که کاربرد آن مشخص نیست و معلوم نیست برای چه منظوری ایجاد و استعمال شده است. پس، نمی‌توان غالب تعریف‌های مهم را برای آیه پذیرفت و تنها می‌توان گفت که «آیه‌ها، قطعاتی نامنظم و بدون دلیل منطقی هستند که شروع و پایانی دارند و در سوره‌های قرآن کریم واقع شده‌اند».

در هر صورت، از سوی برخی از قرآن‌پژوهان، ادعا شده که نشان‌گذاری آیات قرآن، «توقیفی» است و از سوی شخص پیامبر (ص) انجام شده‌اند و نه اصحاب ایشان (به‌عنوان نمونه نک: خرقانی، ۱۳۷۸: ۳۵۵-۳۲۶). پیرامون این ادعا چند تأمل قابل بیان است:

الف - پیامبر (ص) این نشانه‌گذاری را چگونه انجام داده است؟ آیا این علامت‌گذاری آیات، «اجتهاد شخص پیامبر» بوده‌اند یا از سوی خداوند متعال، ابلاغ گشته‌اند؟ بر فرض

آیات ششگانه تحدی، منوط به این مسأله است که واژگان قرآن کریم، دستخوش تحریف لفظی یا تنوع در قرآناات قرآنی نشده باشند. به هر حال و صرف‌نظر از همه موضوعاتی که گذشت، یکی از مهم‌ترین مسائلی که لازم است درباره موضوع تحدی تأمل شود، بحث «کمیت و اندازه در موضوع تحدی» است؛ که ما ضمن گزارش میزان تحدی در آیات قرآن، به بعضی از این مباحث کمی و کیفی اشاره می‌نماییم:

۴،۲،۱ گزارش میزان تحدی در آیات تحدی

در سه آیه از این آیات ششگانه تحدی، مقدار تحدی بر قرآن، مبهم یا مجمل است «بَحْدِيثٍ، بِكِتَابٍ، بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ» (طور، ۳۴؛ قصص، ۴۹؛ اسراء ۸۸) و دقیقاً مشخص نیست که منظور تحدی به «کل قرآن» است یا «بخشی از آن» و یا «اندکی از آن»؛ هرچند که لازم به توجه می‌باشد که تا زمان نزول این آیات، هنوز بخش اعظمی از قرآن مجید نازل یا ابلاغ نشده بوده است (البته ممکن است برخی از مفسران، تعبیر مذکور را اجمالاً مصداق و دلیلی بر تحدی به کل قرآن و کتابی همانند آن قلمداد کنند).

همچنین در یک آیه از این آیات ششگانه، مقدار تحدی ده سوره «بِعَشْرِ سُورٍ» (هود، ۱۳) و در دو آیه دیگر (یونس، ۳۸؛ بقره، ۲۳) مقدار تحدی، تنها یک سوره شبیه گفتار الهی یا پیامبر، ذکر شده است: «فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ».

۴،۲،۲ وجود ابهام در اندازه تحدی

به نظر می‌رسد که مقدار تحدی در این آیات ششگانه، اساساً مشخص نیستند؛ زیرا تمامی واژه‌های «کمی» به‌کاررفته در این آیات (یعنی: بَحْدِيثٍ، بِكِتَابٍ، بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ، بِعَشْرِ سُورٍ، بِسُورَةٍ)، از نظر «معنی، مفهوم و مدلول» مبهم و مجمل هستند. چرا؟ چون غالب قرآن کریم، نه به صورت «واحد‌های کمی به نام سوره» بلکه به صورت آیات نازل شده‌اند و بعداً توسط پیامبر (ص) یا اصحاب به صورت سوره و «ما بین دو جلد» شکل‌بندی گشته‌اند.

به عبارت ساده، در زمان نزول آیات تحدی، نه قرآن کامل شده بوده است که بتوان به کل آن استناد کرد؛ نه بخش‌های قرآن، منظم و منسجم شده بوده‌اند که بتوان به بخش خاصی از قرآن نظر داشت (به‌عنوان نمونه نک: زرکشی، ۱۳۷۶: ۴۶/۱ و ۳۳۸)؛ و نه حتی واژه «سوره» به دلالت مفهومی متأخر آن، معنی‌دار گشته بوده است.

بنابراین صرف‌نظر از ابهام در کمیت «بَحْدِيثٍ، بِكِتَابٍ، بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ»، اساساً با توجه به این که معنای «لغوی و اصطلاحی» سوره، در میان اندیشمندان معرکه آراء می‌باشد (به‌عنوان نمونه نک: سیوطی، ۱۴۲۱: ۲۹/۱؛ مستنصر، ۱۳۸۶: ۲-۹) و «معنای اصطلاحی» آن نیز در میان ایشان، چندگانه به کار رفته است؛ اکنون مشخص نیست که مراد از «فَأْتُوا بِسُورَةٍ» چیست؟ آیا منظور کمیت است یا کیفیت یا هر دو و اگر کمیت است، منظور از آن، چه مقدار یا بخش‌هایی از گفتار ابلاغی پیامبر (ص) یا مصحف ابدایی پس از پیامبر (ص) یا قرآن امروزی می‌باشد؟

و متون را می‌توان از جهتی در دو گروه طرح و مورد نظر قرار داد:

۴,۳,۱ آیات و سور مطرح در مسأله تحریف قرآن

میان اندیشمندان و پژوهشگران، «عبارات، آیه‌ها و سوری» از قرآن کریم موجوداند که در مناقشات حذفی و اضافی^۱ در مسأله «تحریف قرآن» مطرح هستند؛ سوره‌هایی همانند: سوره خلع، سوره هجد، سوره نورین، سوره ولایه^۲ و ... و نیز آیاتی که از همین حیث «حذفی و اضافی» مورد مناقشه هستند و در کتاب‌های تحریف یا عدم تحریف قرآن درج شده‌اند (به‌عنوان نمونه نک: نوری، ۱۲۹۸ق: ۱۸۰-۱۶۲).

در این موارد بالا و مثال‌هایی از این دست، این نکته بسیار مهم و قابل توجه، گفتنی است که: «همین که اندیشمندان مسلمان بر سر قرآنی بودن و یا نبودن این متون، اختلاف نظر دارند، گویای این مسأله است که این متون مورد مناقشه، از نظر شکل و ساختار یا محتوی، شبیه قرآن کریم هستند که اگر نبودند و جعلی‌بودن آن‌ها کاملاً روشن بود، اندیشمندان بر سر هویت و منشأ آن‌ها، مجادله و بحث نمی‌کردند».

بنابراین، وجود آیات و سور اختلافی در موضوع تحریف قرآن، می‌تواند به نوعی، گویای نقض مسأله تحدی بر قرآن، قلمداد گردند و لازم است در مباحث کمیت و کیفیت‌شناسی مسائل تحدی، مورد تأمل و پژوهش قرار گیرند.

۴,۳,۲ متون و عبارات ابدایی در برابر قرآن

جدای از آیات و سوری که در مناقشات تحریف قرآن مورد بحث هستند، آیات و سوری وجود دارند که از صدر اسلام تا کنون، افرادی از خودشان را در مقابل قرآن، ابداع و انشاء نموده‌اند در چند گروه و دسته می‌توان مورد نظر قرار داد:

الف. مثال‌هایی از دوره‌های نخستین و متقدم، همانند آیات و سوری که «مسیلمه بن ثمامه» و برخی دیگر از متقدمین در قرون اولیه، از خود ساخته و ارائه داده‌اند. مسیلمه نامه‌ای به پیامبر اسلام (ص) نوشت با این عبارت: «من مسیلمة رسول الله الى محمد رسول الله. سلام عليك اما بعد، فاني قد اشركت في الامر معك، و ان لنا نصف الارض و لقریش نصف الارض ولكن قریشا قوم یعتدون»؛ و در همان دوران، آیات و سوری را به سبب قرآن انشا نمود که اندکی از آن‌ها که «ساده‌تر» می‌باشد، به ما رسیده است، همانند: «لقد انعم الله علی الحبلی،

نوری به نقل از وی در فصل‌الخطاب آورده و دیگران از نوری گرفته‌اند» (نک: نجارزادگان، ۱۳۸۱ش: ۹۱-۷۵). این مطلب ایشان ظاهراً نادرست است. سوره الولایه، بیش از هشت نسخه خطی دیگر نیز دارد که از آن جمله، نسخه‌ای به خط «حیدر بن علی بن اسماعیل بن عبدالعالی هاشمی کرکی» جبل عاملی. ظاهراً قدیمی‌ترین نسخه از سوره الولایه، همین نسخه مرتبط با شیخ محمد خاتون عاملی باشد که بخشی از این نسخه، در تاریخ ۱۰۳۰ قمری نگاشته شده است. به نظر می‌رسد که سوره الولایه و مانند آن، از منطقه جبل عامل لبنان و از طریق علمای مهاجر جبل‌عاملی به دارالخلافه قزوین و اصفهان منتقل شده و در ایران، نسخه‌برداری گشته است و سپس از طریق ایران به هندوستان که علمای فارسی‌زبان در دستگاه حکومتی شاهان شیعه آن دیار داشته‌اند، رفته است و در آن جا نیز به برخی قرآن‌ها یا بعضی از آثار، همانند کتاب دبستان مذاهب سرایت کرده است.

الهی‌بودن ابلاغ این نشانه‌گذاری‌ها، این ابهام به وجود می‌آید که خداوند متعال با چه مکانیزم و ترفندی، این علامات را به پیامبر اسلام انتقال داده است؟ مثلاً «فرشته وحی» یا «خود خداوند» فرموده باشند؛ «الم (یا محمد، آیه تمام شد)» یا «الم (یا محمد، آیه تمام شد)» ... (یا محمد، آیه تمام شد)».

ب - حتی اگر فرض بگیریم که نشانه‌گذاری آیات قرآن کریم، توقیفی هستند و از سوی شخص پیامبر یا خداوند متعال ابلاغ شده‌اند، این مشکل اساسی پابرجاست که چرا پس از رحلت پیامبر (ص) و بدون فاصله چندان، شمار تعداد آیات قرآن، متعدد شده‌اند و اکنون گزارشات متنوعی از اصحاب و اندیشمندان قرآنی پیرامون «تعداد آیات قرآن» در دسترس داریم (به‌عنوان نمونه نک: فرهنگنامه علوم قرآن، ۱۳۹۴ش: ۱۶۴۰/۱).

این مقدمات طرح شد تا این پرسش پیرامون تحدی و آیات قرآن پرسیده شود که: با فرض وجود تحدی برای قرآن، چرا این تحدی نسبت به سوره انجام شده، اما نسبت به آیه انجام نشده است؟ با اینکه آیات بسیاری موجود هستند که از تعدادی از سوره‌های قرآن، بلندتر هستند (همانند سوره بقره، آیه ۲۸۲). به عبارت ساده، چرا در قرآن کریم گفته نشده است: «فأتوا بآیه».

البته در این باره، برخی پاسخ داده‌اند که چون در قرآن کریم، آیات یونیک (منحصربه‌فرد) و مینیمال (کمینه) یا بسیار ساده (همانند آیات حروف مقطعه) وجود دارند که افراد عادی کوچک و بازار هم می‌توانند از این دست آیات ارائه کنند؛ اگر در قرآن مجید، تحدی به آیه یا دو آیه (همانند آیات سوری شوری، آیه ۱ و ۲: حم، عسق) انجام می‌شد، در این صورت، تحدی مورد نظر قرآن که اثبات اعجاز و حقانیت قرآن است ثابت نمی‌گشت (نک: جواد آملی، ۱۳۹۳ش: جلسه ۹)؛ زیرا که دیگران نیز به‌راحتی می‌توانستند و می‌توانند از این دست آیات ارائه کنند.

۴,۳ کیفیت و همانندی در موضوع تحدی

جدای از موضوع و نظریه «صرفه» و مسائل کلامی و اشکالات فلسفی پیرامون آن، بالاخره اکنون ما با متن‌هایی روبه‌رو هستیم که می‌توانند در دایره «تحدی و هموردی» قرآن، مورد بررسی و تأمل قرار گیرند. این دست از عبارات

^۱ قول تحریف به اضافه، همانند سوره یوسف که گویند فرقه عجاره، منکر نسبت سوره یوسف به قرآن شده‌اند و گفته‌اند: «آن داستان است و نباید که چنین داستانی در قرآن باشد» (نک: شهرستانی، ۱۳۶۴ش: ۱۴/۱).

^۲ به مناسبت کتاب فصل‌الخطاب محدث نوری (م ۱۳۲۰ق)، نام دو سوره از قرآن که ادعا شده از نسخ قرآن حذف شده است؛ بر سر زبان‌های اندیشمندان و پژوهشگران افتاد. سوره ولایت و نورین، در مدح و فضیلت حضرت علی (ع) می‌باشند و متکلمین معاصر شیعه، این دو سوره را از سوره‌های جعلی و خیالی‌ای می‌دانند که به شیعه نسبت داده شده‌اند؛ تا به این وسیله شیعه را از اتهام اعتقاد به تحریف قرآن برهانند. دکتر فتح‌الله نجارزادگان در فصلی از کتاب و مقاله‌ای که مأخوذ از کتاب‌شان است، نوشته است: «دو سوره اسطوره‌ای نورین و ولایت ... هیچ منبع و مدرکی نداشته و اثری از آن‌ها تا پیش از قرن یازدهم نیست، تنها منبع افسانه سوره‌ای به‌نام نورین کتاب دبستان مذاهب است مؤلف این کتاب این اسطوره را به طور شفاهی از قول عده‌ای مجهول - اگر راست بگویند - نقل کرده است و محدث

۵. تنگنای کلی پیرامون مسائل تحدی

هر مسأله نظری، جدای از محدودیت‌ها و تنگنایی که در اجزای درونی تفسیر خود می‌تواند داشته باشد، اگر به صورت «فرامسأله» نگریسته شود و بیرون از معادلات درونی آن، مبنای «فلسفه‌ورزی» قرار گیرد، با یکسری از تنگنای کلی و پیرامونی برخورد خواهد نمود که اندیشمندان و پژوهشگران، لازم است نسبت به آن‌ها واکنش مناسب و آمادگی داشته باشند. بر اساس این، در یک حوزه جدید و جدای از دو حوزه دیگری که پیش‌تر تأملاتی داشتیم، اکنون مناسب است تا اجمالاً برخی از «تنگنای کلی پیرامون مسائل تحدی» به‌عنوان مثال و نمونه، مورد توجه قرار گیرند:

۵.۱ ابهام در زبان تحدی

فرض کنیم خداوند متعالی یا پیامبر(ص) در قرآن کریم نسبت به اندکی یا بخش زیادی از قرآن خود، تحدی نموده باشند. سؤال مهمی که پیرامون تحدی قرآن قابل طرح است این که آن هم‌اوردی، اولاً به چه زبان‌هایی تعلق می‌گیرد؟ و ثانیاً، آیا اساساً منطقی است که تحدی و هم‌اوردی قرآن، «بین‌زبانی» باشد؟

به عبارت ساده، همان‌گونه که منطقی نیست سنگ ببیند و بینایی جزء ماهیت و صفات احجار نیست و نمی‌توان سنگ‌ها را کور دانست؛ به همین منطق، منطقی نیست که خداوند و یا هر موجود حکیمی، به کاربر یا کاربران یک زبان خاص، تحدی بر یک زبان دیگر نماید. مثلاً شکسپیر (۱۶۱۶م) نویسنده بزرگ انگلستان، برای فارسی‌زبانان ایران، تحدی به برخی از آثار برجسته خود (که به زبان انگلیسی هستند)، نماید و از فارسی‌زبانان بخواهد که یا همانند متن انگلیسی آثار من بیاورید، یا بپذیرید که آثار من معجزه هستند.

بنابراین، اگر قرآن تحدی به آیات خود نموده باشد و منظور او از این هم‌اوردی، «تحدی به محتوی» نباشد، می‌توان ادعا نمود که مخاطب این هم‌اوردی، فقط «مردمان عربی‌زبان» حجاز و غیر آن هستند و این تحدی قرآن، شامل انبوه انسان‌های دیگری که به عربی سخن نمی‌گویند، نمی‌گردد.

اکنون این پرسش جدید حاصل می‌شود که اگر بپذیریم تحدی قرآن تک‌زبانی و محدود به افراد عربی‌زبان است؛ آیا موضوع «اعجاز قرآن» را بر نسبت مسأله تحدی، می‌توان گسترش داد و این اعجاز را جهانی تبیین نمود؟

۵.۲ هوش مصنوعی و جایگاه آن در تحدی

هوش مصنوعی (Artificial intelligence)، هوشی است که توسط ماشین‌ها ظهور پیدا کرده و در مقابل هوش طبیعی که توسط جانوران نمایش داده می‌شود، قرار دارد. شاخه‌های مختلف هوش مصنوعی، در اهداف به خصوصی متمرکز هستند و از ابزارآلات خاص خود استفاده می‌کنند. اهداف سنتی تحقیقات AI شامل این مواردند: «استدلال، نمایش دانش، برنامه‌ریزی، یادگیری، پردازش زبان طبیعی، ادراک و توانایی در جابه‌جایی و دستکاری اشیاء» (راسل، ۲۰۰۹م: ۲).

اخراج منها نسمة تسعی، بین صفاق و خشا...» یا «ضفدع بنت ضفدعین یقی ما تُؤفین اعلاک فی الماء و اسفلک فی الطین لا الشارب تمنعین و لا الماء تُکدرین...» یا «الفیل و ما الفیل و ما ادراک ما الفیل له ذنب و ثیل و خرطوم طویل» (به‌عنوان نمونه نک: جوبنی، ۱۴۱۶ق: ۱۴۱).

ب. مثال‌هایی از دوره‌های معاصر، همانند آیات و سوره‌های که در یادداشت‌های فضای مجازی و کتاب‌های دوره جدید، درج و نشر شده‌اند. به‌عنوان نمونه، در کتاب «حسن الایجاز فی ابطال الاعجاز» یا کتاب «الفرقان الحق»، برخی از سوره‌های ابداعی به سبک و ایده قرآن مطرح شده‌اند (نک: خویی، ۱۴۳۰ق: ۴۹؛ الصفی، ۱۹۹۹م؛ محمدی، ۱۳۹۶ش: همگی، سراسرمتن) یا سوره‌هایی که جدیداً ساخته شده‌اند و در اینترنت موجودند؛ همانند: سوره مسلمان، سوره تجسد، سوره وصایا، سوره ایمان (نک: اسدعلیزاده، ۱۳۷۹ش: ۱۵۹-۱۴۰)؛ یا مثلاً همان سوره‌ای که در یادداشت یکم تحدی، پیش‌تر درج نمودیم.

جدای از این، به‌زودی، آیات و سور قابل توجهی توسط «هوش‌های مصنوعی» استخراج خواهند شد که بعید نیست از تمامی مثال‌های هم‌اوردی پیشین برای قرآن، قابل قبول‌تر و علیه‌السلام‌تر باشند.

۴.۳.۳ سؤالات قابل طرح در مبحث همانندی

چه بپذیریم و چه نپذیریم، افرادی اقدام به نقض تحدی قرآن کریم نموده‌اند و آیات و سوری را مثل قرآن انشاء نموده‌اند؛ حال چه در این کار موفق بوده باشند و چه نبوده باشند؛ این سؤالات قابل تأمل و بررسی هستند:

الف - اکنون که پیامبر(ص) یا وصی او یا نماینده قانونی ایشان، در میان مردمان جهان نیستند، چه کسی یا کسانی می‌توانند نسبت به‌مرستی یا نادرسی این نقض تحدی، قضاوت و اظهارنظر نمایند؟

ب - ملاک‌ها و معیارهای قابل راستی‌آزمایی برای «هم‌اوردی قرآن» و مثلیت کدامند و چگونه می‌توان آن‌ها را مورد بررسی قرار داد؟

ج - چگونه می‌توان از دآوری‌های سلیقه‌ای یا متعصبانه، نسبت به متن قرآن کریم و متن‌های مشابه، دور ماند؟ به این معنی که ظاهراً از همان دست اشکالات که از طرف معتقدان به قرآن کریم به متون مشابه قرآن ایراد می‌شوند، در متن قرآن نیز قابل دستیابی هستند و اندیشمندان متعددی، بسان همین اشکالات را به برخی از آیات و سور قرآن کنونی و در دسترس ما، وارد نموده و می‌نمایند (به‌عنوان نمونه نک: سه‌ا، ۱۳۹۳ش: سراسر متن). پس مردمان چگونه تشخیص دهند که کدام یک از اندیشمندان، بر صراط مستقیم‌اند؟

با توجه به سؤالات بالا، در هر صورت، ضروری است تا اندیشمندان و پژوهشگران، شیوه‌نامه‌ای منطقی برای «کمیت‌شناسی و کیفیت‌شناسی» و معیارهای واضح و متمایز، جهت راستی‌آزمایی و اثبات موارد تحدی قرآن و یا نقض آنان، تدوین نمایند؛ هرچند که بعضی از اندیشمندان دینی، برای برخی از این پرسش‌ها، پاسخ‌هایی را مطرح نموده‌اند.

در هر صورت، دیری نخواهد گذشت که تعدادی از همین هوش‌های مصنوعی، در پاسخ کاربران برای تحدی و هموردی نسبت به قرآن، پاسخ مثبت دهند و آیاتی را مثل قرآن چه از نظر متن و چه از نظر محتوی ارائه نمایند؛ در این صورت و با فرض هموردی این متون با آیات و سور قرآن، لازم است درباره این مسائل تأملاتی صورت گیرد که:

الف - آیا نمونه‌های ایجادشده توسط هوش مصنوعی برای آیات و سوره‌های قرآن کریم، در دایره تحدی قرآن قرار می‌گیرد و می‌توان آن‌ها را جزء موارد هموردی قرآن قلمداد کرد؟ یا اینکه باید بگوییم خطاب آیات تحدی، «تلاش شخص انسان» است نه «تلاش با واسطه انسان»؟

ب - اگر فعل هوش مصنوعی و نمونه‌های ابداعی و اختراعی آن‌ها از آیات و سور، به‌عنوان تحدی و هموردی مورد قبول باشند، اندیشمندان اسلامی چه پاسخ و توجیهی پیرامون مسأله تحدی و هموردی قرآن باید ارائه نمایند؟

۶ نتیجه

با توجه به مسائل غیرشفاف یا تبیین نشده متعددی که درباره «پیش‌فرض‌هایی تأثیرگذار در تأملات مسائل تحدی» و «کمیت‌شناسی و کیفیت‌شناسی تحدی» و نیز «تنگناهای کلی پیرامون مسائل تحدی» وجود دارد، به نظر می‌رسد که ابعاد مختلف تحدی در قرآن و نیز نسبت آن با موضوع اعجاز قرآن کریم، هنوز مبهم هستند؛ بنابراین لازم است تا این ابهامات و احیاناً تناقضات موجود در مسائل تحدی و اعجاز، توسط پژوهشگران به‌درستی و وضوح، تبیین گردند و سپس پاسخ مناسب برای آن‌ها ارائه گردند.

در این میان، یکی از کارهایی که اکنون کاربران سایت‌های هوش مصنوعی از آن‌ها استفاده می‌کنند و جذابیت زیادی برای مردم دارد، انجام اموری است که پیش‌تر خود انسان‌ها، فقط بر اساس توانایی‌های شخصی خویش انجام می‌دادند؛ همانند پاسخ به سؤالات، مقاله‌نویسی، سرودن شعر و غیره. در حال حاضر، مؤسسات مختلفی، هوش‌های مصنوعی بسیار متنوعی عرضه نموده‌اند که البته قدرت و توانایی آن‌ها نیز بسته به میزان تخصص و ابتکار شرکت سازنده آن‌ها دارد.

یکی از موضوعاتی که می‌تواند در عرصه هوش مصنوعی، حائز اهمیت شود، جایگاه هوش مصنوعی در موضوع تحدی و هموردی قرآن کریم است. به‌عنوان نمونه و به نوعی سرگرمی، یک کاربرد از هوش مصنوعی «اوپن ای‌ای»^۱ خواسته است که آیه‌هایی شبیه آیات قرآن، به زبان عربی بنویسد؛ جواب هوش مصنوعی در این باره، جالب و هوشمندانه بوده است.

متن سؤال از هوش مصنوعی: «آیا می‌توانید آیه‌ای شبیه به آیات قرآن به زبان عربی بنویسید؟»

متن پاسخ هوش مصنوعی: «به‌عنوان یک مدل زبان هوش مصنوعی، می‌توانم متنی را به زبان عربی ایجاد کنم؛ اما ایجاد آیات مشابه با قرآن، کار مناسبی نیست؛ زیرا قرآن توسط مسلمانان یک متن مقدس شمرده می‌شود و معمولاً تلاش برای تقلید از سبک یا زبان آن در یک زمینه غیر مقدس، مناسب یا محترمانه تلقی نمی‌شود. من به‌عنوان یک هوش مصنوعی، تلاش می‌کنم به همه فرهنگ‌ها و مذاهب احترام بگذارم و اگر پاسخ قبلی من مطابق با این اصل نبود، عذرخواهی می‌کنم.»

^۱ به انگلیسی: Open AI؛ یک شرکت پژوهشی غیرانتفاعی هوش مصنوعی (AI) است که هدفش توسعه هوش مصنوعی بی‌ضرر (به انگلیسی friendly AI) برای خدمت به بشریت است. برای همکاری آزادانه با سایر مؤسسات و پژوهشگران، اوپن ای‌ای پتنت‌ها و تحقیقات خود

را به صورت عمومی منتشر می‌نماید. بخشی از انگیزه‌های بنیان‌گذاران اوپن ای‌ای (پیویژه ایلان ماسک و سام آلتمن) به نگرانی‌هایی که در رابطه با تهدید هوش مصنوعی برای موجودیت‌های دیگر تصور می‌شود، ذکر شده است.

منابع

قرآن کریم

ابن حزم، علی بن احمد (۱۴۱۶ق)، *الفصل فی الملل و الاطواء و النحل*، بیروت: دار الکتب العلمیه.

استادی، کاظم (۱۳۹۶ش)، *کتاب‌شناسی عدم تحریف قرآن*، قم: مشعر.

استادی، کاظم (۱۴۰۱ش)، *معرفی مصادیق جزئی تحریف حنفی و حوی*، مطالعات تأویلی قرآن، س ۴، ش ۸: ۱۶۵-۱۹۱.

اسدعلیزاده، اکبر (۱۳۷۹ش)، «سوره‌های دروغین در شبکه اینترنت»، کلام اسلامی، بهار، ش ۳۳: ۱۵۹-۱۴۰.

ایازی، سیدمحمدعلی و نجم، نجمه (۱۳۹۳ش)، «تحلیل چرایی عدم استفاده از لفظ معجزه در قرآن و روایات»، تفسیرپژوهی اثری، ش ۲: ۴۶-۱۳.

ایجی، عضالدین، و می‌رسید شریف جرجانی (۱۳۲۵ق)، *شرح المواقف*، تصحیح بدرالدین نعسانی، قم: الشریف الرضی.

باقری‌اصل، حیدر (۱۳۸۴ش)، *نقد و بررسی نظریه‌های وحی*، قم: یاس نبی.

باقلانی، ابوبکر (۱۴۲۱ق)، *اعجاز القرآن*، تعلیق ابو عبدالرحمن عویضه، بیروت: دار الکتب العلمیه.

بهجت‌پور، عبدالکریم و زهرا بهجت‌پور (۱۳۹۴ش)، «بررسی سیر تنزیلی آیات تحدی»، قیسات، ش ۷۷ (پاییز): ۶۷-۹۶.

جرجانی، میر سید شریف (۱۴۱۲ق)، *التعریقات*، تهران: ناصر خسرو.

جمعی از نویسندگان (۱۴۱۵ق)، *شرح المصطلحات الکلامیه*، مشهد: آستان قدس رضوی.

جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۹۳ش)، *تفسیر سوره ص*، جلسه نهم (۲۸/۰۲/۱۳۹۳)، آدرس اینترنتی:

<https://javadi.esra.ir/fa/w>

جوینی، عبدالملک (۱۴۱۶ق)، *الإرشاد إلى قواطع الأدلة فی أول الاعتقاد*، بیروت: دار الکتب العلمیه.

حسینی، سیده خدیجه (۱۳۹۷ش)، «نظریه صرفه در کتاب الموضح سید مرتضی: پژوهشی درباره اهمیت مبانی و روش اثبات آن»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ش ۴۴ (زمستان): ۶۵-۳۵.

حیاتی، مهدی و مجید معارف (۱۳۸۹ش)، *بررسی تحریف معنوی قرآن از دیدگاه مفسران و دانشمندان علوم قرآن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم - دانشکده علوم قرآنی تهران.

خرقانی، حسن (۱۳۷۸ش)، «وحياتی بودن ساختار قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، س ۵، ش ۱۹: ۳۵۵-۳۲۶.

خویی، ابوالقاسم (۱۴۳۰ق)، *رسالة فی نفحات الاعجاز فی رد الكتاب المسمى حسن الايجاز (موسوعة الامام الخوئی، ج ۴۹)*، قم: مؤسسة الامام الخوئی.

راسل، استوارت جی و نورویگ، پیتر (۲۰۰۹)، *هوش مصنوعی: یک رویکرد مدرن (ویرایش سوم)*، نیوجرسی: پرننتیس هال.

ربیع‌نیا، ابوطالب (۱۳۸۲ش)، «امی»، *دائرة المعارف قرآن کریم (ج ۱۴)*، قم: بوستان کتاب.

زرکشی، محمد بن بهادر (۱۳۷۶ق)، *البرهان فی علوم القرآن (با حاشیه)*، المحقق: محمد أبو الفضل إبراهيم، بیروت: دار احیاء الکتب العربیه.

زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دار الکتب العربیه.

سها (۱۳۹۳ش)، *نقد قرآن* (جامع‌ترین و مستندترین کتابی که تا کنون توسط یک متخصص علوم اسلامی نوشته شده است)، ویرایش دوم، بی‌جا: بی‌نا.

سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۲۱ق)، *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت: دار الکتب العربیه.

شهرستانی، محمد بن عبد الکریم (۱۳۶۴ش)، *الملل و النحل*، به تحقیق محمد بدران، قم: الشریف الرضی.

الصفی و المهدی (۱۹۹۹م)، *الفرقان الحق*، واشنگتن:

Wine Press Publishing

عمر، احمد مختار (۲۰۰۰م)، *معجم القراءات القرآنیة*، دمشق: دار سعدالدین.

قاضی‌زاده، کاظم (۱۳۷۴ش)، «نگرشی به نظریه صرفه»، نامه مفید، ش ۳ (پاییز): ۸۶-۳۹.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، محقق: غفاری علی‌اکبر، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

گروهی از نویسندگان (۱۳۸۴ش)، *مجله بینات (مجموعه مقالات رازی)*، س ۱۲، ش ۴۷: ۲۲۴-۱.

گروهی از نویسندگان (۱۳۹۴ش)، *فرهنگ‌نامه علوم قرآن*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

محمّدی، محمدعلی (۱۳۹۶ش)، *اعجاز قرآن با گرایش شبیه‌پژوهی: بررسی آثار مدعیان هم‌وردی با قرآن در قرن اخیر (ج ۳)*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

مستنصر، میر (۱۳۸۶ش)، «پیوستگی سوره؛ تحولی در تفسیر قرآن در قرن بیستم»، مترجم: محمد حسن محمدی مظفر، آینه پژوهش، ش ۱۰۷ و ۱۰۸ (آذر و اسفند): ۹-۲.

معرفت، محمدهادی (۱۳۷۱ش)، *آموزش علوم قرآن*، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

معموری، علی (۱۳۸۱ش)، «دیدگاه‌های گوناگون در تفسیر و تحلیل وحی»، رواق اندیشه، ش ۱۲ (آذر): ۲۴-۹.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *النکت الاعتقادیه*، قم: الموتر العالمی.

مقدسی، یوسف (۱۳۹۶ش)، *قرآن معجزه جاویدان*، تبریز: پژوهش‌های دانشگاه.

مؤدب، سیدرضا (۱۳۷۹ش)، *اعجاز قرآن در نظر اهل بیت عصمت و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام*، قم: احسن الحديث.

نجازادگان، فتح‌الله (۱۳۸۱ش)، «افسانه سوره ولایت و نورین»، پژوهش‌نامه حکمت و فلسفه اسلامی (مجله طلوع نور سابق)، ش ۲ (تابستان): ۹۱-۷۵.

نوری، حسین بن محمدتقی (۱۲۹۸ق)، *فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب*، تهران: چاپ سنگی.